

سؤال: اگر امکان دارد در مورد دعای (ای پدر ما که در آسمانی) توضیحات تخصصی تری به ما بدهید برای درک بهتر ما با تشکر از شما.

جواب: با سلام به شما دوست عزیز توجه شما را به مطالب زیر جلب می کنم.

ای پدر ما که در آسمانی

دعای ربانی به راستی خلاصه تمام انجیل است. این دعا با شهادت دادن بر خدا و با عملی مبتنی بر ایمان آغاز می گردد، آن هنگام که می گوییم: « ای پدر ما که در آسمانی » ما به خدا دعا می کنیم و با چنین دعایی ایمان خود را اعلام می داریم. مکتوب است: « به آن کسانی که او را قبول کردند، قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد.» (یوحنا ۱۲: ۱). وانگهی خداوندگار ما اغلب اوقات خدا را «پدر ما» می نامید؛ از این مهم تر، او حکم فرمود تا هیچ کس را بر زمین «پدر» ننماییم و این نام را برای پدر آسمانی نگاه داریم (مت ۹: ۲۳). بنابر این وقتی به این گونه دعا می کنیم، از اراده او اطاعت می نماییم. خجسته اند آنان که «پدر» را تصدیق می کنند!

خدا سرزندی را به اسرائیل خطاب می فرماید و روح القدس آسمان و زمین را شاهد می گیرد و می گوید: « پسران پروردم و بر افراشتم، اما ایشان بر من عصیان ورزیدند » (اش ۲: ۱). با خواندن او با نام «پدر» او را در مقام خدا تصدیق می کنیم. این عنوان شهادتی است مبتنی بر دینداری و قوت. همچنین، به «پسر» در «پدر» دعا می کنیم. او فرمود: «من و پدر یک هستیم» (یو ۳۰: ۱۰). همچنین کلیسا را نیز نباید از یاد ببریم که مادر ما است. نامیدن «پدر» و «پسر» به منزله اعلام «مادر» است که بدون او نه «پسر» هست و نه «پدر». بدینسان، با کلمه ای واحد او را با خاصانش می پرستیم و از فریضه او اطاعت می کنیم و آنانی را که «پدر» خود را از یاد برده اند رد می نماییم.

اصطلاح «خدای پدر» هرگز بر کسی مکشوف نشده بود. وقتی خود موسی از خدا پرسید که او کیست، نام دیگری شنید. بر ما، این نام در «پسر» مکشوف شده است. زیرا این نام در واقع تلویحاً به نام جدید «پدر» اشاره می کند. «من به نام پدر آمده ام» (یو ۴۳: ۵). و در جای دیگر می فرماید: «ای پدر نام خود را جلال ده»؛ و از این نیز صریح تر می فرماید: «اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا کردی ظاهر ساختم» (یو ۶: ۱۷). بنابر این از او طلبیده می گوییم:

نام تو مقدس باد

همچنین انسان سزاوار آن نیست که برای خدا آرزوهایی بکند، گویی می توانیم چیزی برای او آرزو کنیم، و بدون آرزو کردن ما او فاقد چیزی خواهد بود. اما منظور این است که باید خدا را در هر زمانی و مکانی متبارک خوانیم تا آن

قدردانی را به جا آوریم که هر انسانی برای مواهبش مدیون او است. متبارک خواندن این وظیفه را به انجام می رساند. وانگهی چگونه ممکن است نام خدا در خودش همواره قدوس و تقدیس شده نباشد چرا که اوست که دیگران را تقدیس می کند. در ضمن لشکر فرشتگان که او را احاطه می کنند، از گفتن این عبارت باز نمی ایستند: « قدوس، قدوس، قدوس » (اش ۳: ۶). و ما که در آرزوی سهیم شدن در خجستگی فرشتگان هستیم از هم اکنون با صدای ایشان شریک می شویم و نقش مرتبط با شأن و منزلت آتی خود را تکرار می کنیم. این نصیب آنانی است که جلال خدا را می نگرند. در خصوص دعایی که برای خود ادا می کنیم آن هنگام که می گوییم: « نام تو مقدس باد »، در واقع می طلبیم که این نام در ما تقدیس شود، ما که در او هستیم، اما همچنین در دیگرانی که فیض خدا در انتظارشان است، و به این شکل خود را با فریضه ای که ما را بر آن می دارد که برای همگان دعا کنیم، همسو می سازیم، حتی برای دشمنانمان. به همین دلیل چرا به طور مشخص نگوییم: « نام تو (در ما) مقدس باد»، زیرا این در حکم طلبیدن این است که این نام در همه انسان ها مقدس باشد.

اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود. بدیهی است که هیچ چیز نمی تواند مانع اجرای اراده خدا گردد، ما برای او در عملی شدن تقدیرهایش توفیق بیشتری آرزو نمی کنیم بلکه می طلبیم که اراده اش در همه انسان ها انجام شود. در پس صورت جسم و روح این ما هستیم که از سوی آسمان و زمین مقدر شده ایم. اما حتی در مفهوم آشکارش ماهیت درخواست همان باقی می ماند یعنی اینکه اراده خدا در ما بر روی زمین به انجام برسد، به این منظور که بتواند در ما، در آسمان نیز عملی گردد. اما اراده خدا چیست، مگر اینکه طریق های تعلیم او را پیروی کنیم؟ بنابر این از او استدعا می کنیم که جوهر و نیروی اراده اش را به ما منتقل سازد تا بر روی زمین و در آسمان نجات یابیم، زیرا اراده بنیادین او این است که افرادی را که به فرزندی پذیرفته نجات دهد. این اراده خدا را خداوندگار ما به واسطه کلام، عمل و رنج خود تحقق بخشیده است. در این مفهوم بود که او فرمود تا نه اراده خود را بلکه اراده پدرش را انجام می دهد.

تردیدی نیست که او اراده پدرش را انجام می داد؛ نمونه ای نیز که امروز به ما می دهد، همین است، یعنی موعظه نمودن، کار کردن و رنج کشیدن تا پای جان. ما به منظور اجرای آن به اراده خدا نیاز داریم. وقتی می گوییم که « اراده تو کرده شود »، آرزو می کنیم که اراده خدا هیچ گاه برای ما بدی نباشد، حتی اگر به سبب گناهان ما با ما با خشونت رفتار کند.

افزون بر این، با این سخنان خود را به تحمل مشقات تشویق می کنیم. خداوندگار ما نیز برای این که در میان اضطراب های مصائبش به ما نشان دهد که ضعف جسم ما در جسم او نیز یافت می شد، می فرماید: « ای پدر، اگر بخواهی این پیاله را از من دور کن. » سپس نظر خود را تغییر داده می فرماید: « لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده تو » (لو ۲۲: ۴۲). او خودش اراده و قوت پدر بود؛ اما برای آنکه به ما بیاموزد تا بدهی رنج را بپردازیم، او خود را تماماً به اراده پدر می سپارد.

ملکوت تو بیاید

این درخواست به درخواست پیشین مربوط می شود: « اراده تو کرده شود » یعنی این که « سلطنت تو در ما عملی گردد ». اما در چه زمانی خدا پادشاه نخواهد بود، او که دل های پادشاهان را در دست دارد (امت ۱: ۲۱)؟ اما هر چه برای خود آرزو می کنیم، آن را به عرض او می رسانیم و خود را در او تقدیس می کنیم زیرا از اوست که آن را انتظار می کشیم. چنانچه ظهور ملکوت خدا مطابق اراده اوست و انتظار ما را مطالبه می کند، چگونه است که برخی از افراد با اشک ها کسی را مجدداً طلب می کنند که از این عصر و زمانه بیرون برده شده، زیرا ملکوت خدا که ظهورش را از خدا می طلبیم، به این سمت گرایش دارد که به این عصر خاتمه داده شود؟ در واقع ما از او می طلبیم که سریع تر سلطنت کند تا شتابان تر از بندگی خلاصی یابیم.

حتی اگر در این دعا ما را موظف نسازد که ظهور این ملکوت را بطلبیم، اما خودمان قطعاً این فریاد را بر می آوریم و می شتافتیم تا رفته، امید خود را در آغوش بکشیم (عبر ۱۱: ۴). نفوس شهیدان در زیر قربانگاه با فریاد های بلند از خداوندگار می طلبند که: « ای خداوند قدوس و حق تا به کی انصاف نمی نمایی و انتقام خون ما را از ساکنان زمین نمی کشی؟ » (مکا ۱۰: ۶). در واقع ایشان حق خود را در آخر زمان به دست خواهند آورد. پس ای خداوندگار آمدن ملکوت را بشتابان! این آرزوی مسیحیان، پریشانی بی ایمانان، و پیروزی فرشتگان است؛ برای اوست که رنج می کشیم یا به بیانی بهتر هم اوست که می خوانیم.

نان کفاف ما را امروز به ما بده

حکمت الهی با چه هنری تمام بخش های این دعا را ترتیب داده است! پس از امور آسمانی، یعنی پس از نام خدا اراده خدا و ملکوت خدا، ضروریات زمینی می آیند که او جایی برای آنها حفظ کرده است. مگر خداوندگار ما نفرموده بود: « اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد. » (مت ۳۳: ۶)؟

با این حال شاید مناسب تر باشد که به این سخنان مفهومی روحانی ببخشیم: « نان کفاف ما را امروز به ما بده. » زیرا مسیح آن نان ما است، چرا که او حیات ما است و این که حیات ما همان نان است. او فرمود: « من نان حیات هستم » (یو ۳۵: ۶). و اندکی پیش از آن فرمود: « نان همان کلمه خدای زنده است که از آسمان نازل شده است ». وانگهی نان به مفهوم بدن او است: « این بدن من است » (لو ۱۰: ۲۲). بدینسان با طلبیدن نان هر روزه مان می طلبیم که پیوسته در مسیح زیست کنیم و با بدن او همسان شویم. اما تعبیر لغوی آن که منطبق با ایمان و اعتقادات است، کاملاً معتبر باقی می ماند. چنین تعبیری حکم می کند تا نان بطلبیم، یعنی یگانه چیزی که می تواند برای مؤمنین ضروری باشد: « زیرا که در طلب جمیع این چیزها امت ها می باشند. » (مت ۳۲: ۶)!

وانگهی، این همان چیزی است که خداوندگار ما از طریق نمونه ها به ما القا می فرماید و در مثل هایش به یادها می آورد، آن هنگام که می فرماید: « نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن جایز نیست » (مت ۱۵: ۲۶)؟ همچنین: « کدام آدمی است از شما که پسرش نانی از او خواهد و سنگی بدو دهد؟ » (مت ۷: ۹). از این طریق او نشان می دهد که

فرزندان حق دارند چه چیزی از پدرشان انتظار داشته باشند. همچنین، این همان چیزی است که آن مرد درخواست کرد که شب هنگام، در خانه دوستش را زد. او به حق می افزاید: « امروز به ما بده »؛ او قبلاً فرموده بود: « پدر آسمانی شما می داند که بدین همه چیز احتیاج دارید » (مت ۶:۳۲). باز برای تعلیم همین حقیقت است که خداوندگار ما مثل مردی را بازگو می کند که محصول فراوان را در انبارهای خود ذخیره می کند و خود را برای مدتی طولانی در امنیت می پندارد اما همان شب می میرد (لو ۱۶:۱۲).

قرض های ما را ببخش

پس از درخواست سخاوت خدا، طبیعی بود رحم و شفقت او را نیز طلبید. خوراک به چه کار می آید اگر فقط باعث فریبی ما همچون گاوان نری شود که به درد قربانی ها می خورند؟ فقط خداوندگار ما بود که گناهی نداشت. از این رو ما را می آموزد که بگوییم: « قرض های ما را ببخش ».

اگزومولوژ (exomologese) طلب بخشایش است، زیرا درخواست آموزش به معنی اعتراف به گناه خویش است. این ثابت می کند که توبه برای خداوندگار خوشایند است، زیرا او آن را بر مرگ شخص گناهکار ترجیح می دهد.

واژه « قرض » در کتاب مقدس تصویری از گناه است: وقتی گناه می کنیم، دچار بدهی داوری می شویم که باید آن را تا ریال آخر باز پرداخت کنیم مگر این که این قرض بخشیده شود، مانند بدهی که ارباب بر خادم خود بخشید (مت ۱۸:۲۷). این مثل مفهوم دیگری ندارد. اما این خادم که مشمول رحم و شفقت ارباب خود شد بدهکار خود را سخت مورد تعقیب قرار داد؛ پس ارباب او را احضار کرد تا او را به زندانبان بسپارد و تا آخرین ریال را بازپس دهد.

نمونه او نشان می دهد که ما نیز باید قرض بدهکاران خود را ببخشیم. البته خداوندگار ما در جایی دیگر به شکل دعا فرموده بود: « عفو کنید تا آمرزیده شوید » (لو ۶:۳۷). و هنگامی که پطرس از عیسی می پرسد که آیا باید برادر خود را تا هفت بار ببخشد، وی پاسخ می دهد: « تو را نمی گویم تا هفت مرتبه بلکه تا هفتاد هفت مرتبه ». (مت ۱۸:۲۲) تا شریعتی را تکمیل کند که در آن در کتاب پیدایش نوشته شده: « اگر برای قائن هفت چندان انتقام گرفته شود هر آینه برای ملک هفتاد و هفت چندان ». (پید ۴:۲۴)

ما را در آزمایش میاور

به منظور تکمیل این دعا که اینچنین موجز و کوتاه است، از خدا می طلبیم که نه فقط قرض های ما را ببخش بلکه گناه را به طور کامل از ما دور سازد: « و ما را در آزمایش میاور »، یعنی اجازه مده از سوی وسوسه گر فریفته شویم. بادا که آسمان ما را از این تصور حفظ کند که ممکن است خدا ما را وسوسه کند، گویی او از ایمان هر یک از ما ناآگاه است؛ تا چه رسد به این تصور که او ممکن است ایمان ما را ریشه کن سازد. هنگامی که خداوند در گذشته به ابراهیم امر فرمود تا پسرش را برای او قربانی کند، منظور او چندان آزمودن ایمان او نبود بلکه بیشتر آشکار ساختن آن، تا به

این طریق این پاتریارخ برای ما نمونه ای زنده از حکمی گردد که بعد ها تعلیم خواهد داد، این حکم که باید خدا را بر هر آنچه که برایمان عزیزترین است ترجیح دهیم.

خود عیسی اجازه فرمود تا از سوی شیطان وسوسه شود تا بر ما مکشوف سازد که او رئیس و صانع وسوسه است. او همین حقیقت را تأیید می کند آن هنگام که بعدها فرمود: « دعا کنید تا در امتحان نیفتید » (لوقا: ۴۶: ۲۲). این نکته آنچنان حقیقت دارد که ایشان با رها ساختن خداوندگار، وسوسه شدند، زیرا ترجیح دادند خود را تسلیم خواب کنند تا این که به دعا بپردازند. وانگهی این واپسین درخواست تشریح می کند که وقتی می گوئیم « ما را در آزمایش میاور » مفهوم آن چیست؛ و مفهوم آن این است: بلکه ما را از شریر رهایی ده.»

در این چند کلمه چه وحی ها که از انبیا، از انجیل ها، و از رسولان به عاریت گرفته شده است! چه موعظه های خداوندگار ما، مثل ها، نمونه ها، فریضه ها! چه تکالیف ابراز شده! تکریم خدا از طریق عنوان « پدر »، شهادت ایمان در نام او، عمل اطاعت نسبت به اراده اش، یاد امید به آمدن ملکوتش درخواست حیات در نان، اعتراف به گناهانمان، دغدغه وسوسه ها با طلبیدن محافظت. چه نکته ای باعث تعجب است؟ فقط خدا می تواند به ما بیاموزد که چگونه می خواهد به حضورش دعا کنیم. پس اوست که مذهب دعا را تنظیم می کند و زمانی که این دعا از دهانش بیرون می آید آن را با روح خود احیاء می نماید و به آن این امتیاز را می بخشد که ما را به آسمان ببرد و دل خدا را با کلمات « پسر » لمس کند.

با این حال خدا نیاز های انسان ها را برآورده می سازد. او وقتی این شیوه دعا را برای ما به میراث گذاشت افزود: « سؤال کنید که به شما داده خواهد شد.» (لوقا: ۹: ۱۱). بنابر این هر کس می تواند دعا های گوناگونی را به حضور خدا ببرد، اما همیشه با شروع از دعای ربّانی که دعای بنیادین باقی می ماند.